

31 نکته در باب سلیم بن قیس هلالی و کتاب او - سید محمدعلی روضاتی، عبدالمحسین طالمعی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال دوازدهم، شماره 45 «و ژه حدیث»، زمستان 1393، ص 115-145

31 نکته در باب سلیم بن قیس هلالی و کتاب او

سید محمد علی روضاتی

ترجمه: عبدالمحسین طالمعی [1] ×

چکیده: این گفتار که ترجمه رساله «المدرر و اللئالی فی ترجمه سلیم بن قیس الهلالی» است، 31 نکته درباره سلیم بن قیس هلالی محدث مشهور سده یکم هجری را در بر دارد، و در باب کتاب او سخن می گوید که امروزه در دسترس و موجود است. مؤلف مقاله با تسلط بر دانش رجال و تراجم و نسخه های خطی کتب مرجع، نکاتی بدیع درباره این کتاب ارزشمند بیان می دارد، از جمله درباره وثاقت سلیم و پاسخ به تضعیف رجالی او، سرگذشت کتاب و نسخه های خطی و چاپی آن، نقد و بررسی نظرات دانشمندان رجالی در این مورد، مانند میرزای استرآبادی، صاحب روضات الجنات و جید بهبانی، ابوالحسن شعرانی و دیگران، توضیحاتی در مورد ابان بن ابی عیاش راوی کتاب سلیم، و نکات دیگر. شرح حال کوتاهی از مؤلف در ابتدای گفتار آمده است.

کلیدواژه ها: المدرر و اللئالی فی ترجمه سلیم بن قیس الهلالی روضاتی، سید محمدعلی سلیم بن قیس هلالی کتاب سلیم بن قیس هلالی روضات الجنات ابان بن ابی عیاش.

درباره نویسنده

استاد محقق آیه الله سید محمد علی روضاتی در خاندان دین و دانش در 13 رجب 1348 قمری در اصفهان زاده شد. پدرش آیه الله میرزا محمد هاشم چهار سوقی (1318 - 135 صلی الله علیه و آله) و مادرش فرزند آیه الله سید حسن چهار سوقی بود. یعنی نسب او از دو طرف به سید محمد باقر خوانساری صاحب دانشنامه رجالی روضات الجنات می رسد. به این سبب، لقب روضاتی داشت.

در اصفهان مقدمات و پاره ای از سطوح را فرا گرفت. در قم نزد اساتیدی همچون آیات: شهید شیخ محمد صدوقی، شیخ مرتضی حائری، سید حسین بروجردی درس آموخت. ارتباط علمی استوار با عالمانی همچون حضرات آیات: شیخ آقا بزرگ تهرانی، سید عبدالمحسین شرف المدین، سید محمدهادی میلانی، شیخ محمدحسین کاشف المغطاء، سید هبه المدین شهرستانی، سید محسن حکیم و دیگر بزرگان جامعیت ویژه ای به او بخشید. از سی تن از مشایخ اجازت روایت داشت. در شعبان 13 علیه السلام 3 قمری ازدواج کرد که پنج فرزند، حاصل این ازدواج است.

آثار علمی ایشان بیشتر در حوزة تراجم و کتابشناسی است که تحقیق متون مربوط به این دو رشته جایگاه خاصی در آثارش دارد. بیست اثر چاپ شده و ده اثر چاپ نشده و حواشی فراوان تحقیقی بر کتابهای مرجع، در کنار تربیت شاگردان محقق که در جلسات علمی بار آمدند، ثمراتی از زندگی استاد است.

رحلت استاد در روز 29 شعبان 1433/29 تیر 1391 شمسی روی داد. رحمة الله علیه. [2]

این گفتار

این گفتار، ترجمه رساله «المدر و المئالی فی ترجمه سلیم بن قیس المهللی» است که در سال 1410 قمری از قلم استاد به زبان عربی تراویده و در کتاب «روضات» (قم: مؤسسه کتابشناسی شیعه، 1391 شمسی، ص 530 - 550) به چاپ رسیده است. کتاب یاد شده، بخشی از مقالات علامه روضاتی را در بر دارد که در طول بیش از شصت سال تلاش علمی به قلم آورده اند. از پنجاه مقاله این مجموعه چهل مقاله به زبان فارسی و ده مقاله عربی است.

ساختار این مقاله مانند دیگر آثار ایشان بیشتر معطوف به تکمیل، تصحیح و بازنگری منابع پیشین در موضوع مربوط است. بدین روی، رساله خود را در سه بخش سامان داده است: بخش اول، کلام صاحب روضات الجنات در باره سلیم بن قیس

هلالی را بر اساس نسخه خطی اصل مصنف آن، با توضیح جملات پیچیده آن - به ویژه تبیین نقلهای تو در تو - آورده و نظرات خود را در حاشیه بیان می‌دارد.

بخش دوم به نقل و توضیح چندین منبع رجالی در مورد سلیم اختصاص دارد که مانند دیگر آثار ایشان، منابع مخطوط جایگاه خاصی در میان منابع دارند. بخش سوم نیز به چند فائده و نکته متفرقه می‌پردازد.

اهمیت موضوع سلیم بن قیس و کتابش در منظومه حدیث شیعه و نظرات مختلف در بار او، سبب شد که ترجمه این رساله به اهل پژوهش عرضه شود. بدان امید که نکات تازه و نویافته‌های آن برای تحقیقات مربوط به این مهم به کار آید.

توضیح لازم اینکه ترجمه در کمال دقت و امانت سامان یافته، مگر شماره زدن فقرات نسبتاً مستقل که برای بهره‌گیری بیشتر از مطالب انجام شده است. چند نکته برای تبیین بیشتر مباحث در پانویس افزوده شد که با عنوان مترجم مشخص شده است.

xxx

[مقدمه مؤلف]

خدای بزرگ را بر نعمتهایش حمد می‌گوییم. درود و سلام بر پیامبر برگزیده‌اش و خاندان او باد، و دشمنان این خاندان، از رحمت حق همواره دور باد.

این مطالب، نکاتی دربار سلیم بن قیس هلالی است و کتاب او که در طول قرن‌ها شهرت یافته است. این نکات را در رساله‌ای گرد آوردم که آن را «المدور و اللئالی فی ترجمه سلیم بن قیس الهلالی» نامیدم.

سخن را با کلام جدهمان امام افقه بزرگوار، مجتهد مجدد مجاهد آیه الله المعظمی سید میرزا محمد باقر موسوی قدس الله سره و نور ضریحه (متوفی 1313) آغاز می‌کنم که در کتاب روضات الجنات آورده است. سپس یافته‌های خود و مطالب مرتبط را که در ذهن دارم در پی آن می‌آورم. از خدای سبحان توفیق و هدایت و استواری طلب می‌کنم، او مرا بس است و نیکو و کیلی است.

بخش اول - کلام صاحب روضات

صاحب روضات می نویسد:

1. شیخ ابوصادق سلیم بن قیس هلمی عامری کوفی صحابی امیر المؤمنین علیه السلام و مصنف کتاب حدیثی مشهور که در بحار المانوار و آثار دیگر، از آن نقل می کند.

نام شریف او به صیغه تصغیر است چنانکه در کتاب خلاصه الماقتوال علامه حلی و منابع دیگر آمده است. او از عالمان متقدم اهل بیت نسبت به این خاندان، بسیار وفادار بود. از رجال شیخ طوسی استفاده می شود که محضر پنج امام معصوم را درک کرد: امیر المؤمنین تا امام باقر :

2. مولی صالح مازندرانی از یکی از محدثان [3] نقل می کند که گفت: «سلیم یکی از یاران خاص امیر المؤمنین علیه السلام است که از امام صادق علیه السلام نیز روایت می کند. او یکی از اولیاء است و حق در بار او - در وفاق با علامه حلی و دیگر دانشوران شیعی - آن است که او را عادل بدانیم.»

صاحب روضات گوید:

در خلال مباحث خواهی دید که او به مراتب، جایگاهی بالاتر از تعدیل دارد. چرا چنین نباشد؟ در حالی که او نزد امامان معصوم، در جایگاه ارکان اربعه بود و در حد بسیار زیادی محبوب آنان بود. در رفعت مکانت او نزد امامان معصوم و جلالت او نزد شیعه همین بس که هیچ روایتی در نکوهش او نرسیده، بلکه در مدح و جلالتش چندین حدیث روایت شده است. بعلاوه، هیچ کسی او را مجهول نشمرد، تا چه رسد به اینکه خلاف عدالت در باره اش بگوید. از سوی دیگر چند تن از دانشوران شیعه بر عدالت او تصریح کرده اند.

البته این جمله برای تسکین درون کسانی ذکر شد که نسبت به شهادت دو تن از دانشمندان رجالی در بار یک راوی تعبد دارند. در واقع این تعبد خلاف تحقیق است. بلکه مدار در علم رجال، بر ظن اجتهادی است، چنانکه تتبع هر فرد منصف در کلمات کسانی که دانش پژوهان را به تعبد در توثیق راویان در این زمان وا می دارند، بر این مدعا گواه است. به خیال این که به حقیقت احوال رجال از طریق دگر دست یافته اند.

3. این سخن نیکو است که در پی کلامی درازدامن از این قبیل گفته‌اند:

به هر حال، توقف در تعدیل او هیچ وجهی ندارد. زیرا علو او از روایات او که در کافی و آثار دیگر آمده، بر می‌آید. و جایگاه رجال، از روایاتشان بر می‌آید. از روایات سلیم بر می‌آید که او از خواص اصحاب امیر مؤمنان علیه السلام بوده است. بلکه به همین دلیل در «ین» او را صحابی امیر مؤمنان می‌دانند، که به خصوصیت او نزد حضرتش اشعار دارد.

او شیخی متعدد و نورانی از اولیای امیر مؤمنان علیه السلام بود که در دین بسی تصلب داشت و هرگز به دشمنان حضرتش نگروید، تا آنجا که حجاج در پی او افتاد که او را بکشد.

سخن مخالفان در باره‌اش که او را ضعیف دانسته‌اند، گواهی بر تصلب او در دین و علو قدر اوست. در رجال کشی نیز مطالبی آمده که صدق و جلالت و صحت کتابش را می‌رساند.

4. کتاب مورد اشارت او، نخستین کتابی است که در اسلام نوشته و تدوین شده و اخبار را در آن گرد آورده است. من نسخه‌ای کهن از آن دارم که بیش از چهار هزار بیت است. و نوادر جالب بسیار دارد.

علامه محمدباقر مجلسی [در مقدمه بحار المانوار، ضمن ارزیابی منابع بحار] گوید: «کتاب سلیم بن قیس در نهایت اشتهاست. البته عده‌ای آن را ضعیف می‌دانند، ولی حق آن است که این کتاب، از اصول معتبر است»

5. علامه حلی در کتاب خلاصه المااوقال می‌نویسد:

«کشی احادیثی آورده که اعتبار و صحت کتاب سلیم را می‌رساند.

نجاشی گوید: ابوصادق، سلیم بن قیس هلمی صاحب کتابی است.

سیدعلی بن احمد عقیقی گوید: سلیم بن قیس از اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام است. حجاج در پی او بود تا او را بکشد. او گریخت و به ابان بن عیاش [یا: ابان بن ابی عیاش] پناه برد. هنگام وفات، به ابان گفت: تو حقی بر من داری.

اینک آهاده مرگ می شوم. برادر زاده! پس از رسول خدا چنین و چنان شد. آنگاه سلیم کتابی به ابان داد. پس این کتاب را فقط ابان از سلیم روایت کرده است. ابان در حدیث خود گفته که سلیم، شیخی متعبد و نورانی بود.

ابن غضائری گوید: سلیم بن قیس هلالی عامری از امام حسن، امام حسین، امام سجاد و امام صادق: روایت می کند. کتاب مشهور را به او نسبت داده اند. اصحاب ما گفته اند که سلیم شناخته شده نیست و در حدیثی یاد نشده است. من یاد او را از طرق چندی غیر از جهت کتابش و از روایاتی غیر از ابان بن عیاش یافته ام.

ابن عقده او را در شمار یاران امیر مؤمنان یاد کرده و البته این کتاب، بدون تردید جعلی است به چند دلیل؛ یکی این که گفته محمد بن ابی بکر پدرش را هنگام مرگ اندرز داد. دیگر اینکه امامان را سیزده تن می داند، و دلائل دیگر. همچنین سندهای کتاب، اختلاف دارد؛ گاهی به روایت عمر بن آذینه از ابراهیم بن عمر صنعانی از ابان بن ابی عیاش از سلیم، و گاهی بدون واسطه از عمر از ابان. وجه صحیح در نظر من، این است که سلیم، عادل است، ولی در بار مطالب غلط کتابش باید توقف کرد.»

این سخن علامه حلی است که ضمن آن کلام چند تن دیگر را نقل کرده است.

صلی الله علیه و آله. یکی از بزرگان [4] در تعلیقه بر کلام عقیقی می نویسد:

«از مجموع آنچه آورده، بر می آید که سلیم، شایسته مدح است. اگر تک تک روایات مشتمل بر مدح او معتبر نباشد، ولی این بدان معنا نیست که مدح او در مجموع معتبر نباشد.

گفته اند: از اینجا وجه ایراد اخباری که از نظر سند مورد قدح است، معلوم می شود. همچنین اخبار دال بر مدح از وجه ضعیف، و اخبار دال بر مدح راوی از طرف خودش که شهادت به نفع خودش باشد و دیگر اخبار در این زمینه، همین گونه است. به هر حال، از مجموع آنها بر می آید که حکم به وصف عدالت باید کرد. مبنای این مطلب آن است که علم عادی شرعی وقتی به مطلبی دست یابد، به مقتضای آن حکم به وجوب عمل به آن یافته می شود.»

علیه السلام. در کلام همین بزرگ آمده است:

«احادیث سلیم در چند باب از کتاب کافی آمده است، از جمله:

باب استعمال المعلم

باب المستأكل بعلمه

باب اختلاف الحديث

باب ما جاء في المأثني عشر

باب الإشارة و النصّ على المحسن عليه السلام

باب المفيء و الأنفال

باب دعائم الكفر

باب أدنى ما يكون المعبد مؤمناً

و موارد دیگر.

این احادیث، تماماً متن واضح و فواید فراوان دارند و مطالب مهمی در بر دارند بدون مطالب مخالف مذهب. شیخ کلینی وقتی احادیث سلیم را می آورد، در ابتدای باب نقل می کند، چنانکه در یکی دو موضع دیدیم. این قرینه‌ای است بر آنکه کلینی بر کتاب سلیم اعتماد کرده و آن را واضح الحدیث می داند که می شود بدان عمل کرد.

روش کلینی آن است که احادیثی را که تخریج می کند، و در ابواب خود می آورد، به ترتیب صحت و وضوح نقل می کند. لذا احادیث آخر هر باب معمولاً خالی از اجمال و خفاء نیست.

8. کلام این دانشمند بزرگ بدینجا می‌رسد که گوید:

«کتاب او بین اصحاب ما امامیه شهرتی داشته، بالاتر از شهرتی که امروز کتابهای اربعه در زمان ما دارند، چنانکه غضائری گفته است. شیخ کلینی و شیخ صدوق و دیگر بزرگان، از کتاب او نقل کرده‌اند. اضطراب در طریق که دیده می‌شود، زیانی به کتاب نمی‌زند. و چنین مطلبی در بیشتر طرق کتابهای اصحاب ما - به دلیل مسائل خاص خود - دیده می‌شود.»

9. یکی از بزرگان [5] از خط شهید ثانی نقل کرده که در حاشیه خود بر خلاصه الما قول علامه بر سخن او تعلیقه زده است.

علامه گوید: «یکی از نشانه‌های جعلی بودن کتاب آن است که محمد بن ابی بکر در سال حجة الموداع متولد شده و خلافت پدرش دو سال و چند ماه بوده، پس اندرز گفتن او به پدرش معقول نیست»

میرزای استرآبادی نقل می‌کند که شهید ثانی در پاسخ به سخن علامه گوید: «در توقف نسبت به مطلب غلط جای توقف نیست. بلکه در کل کتاب به دلیل ضعف سند چنانکه دیدید. اگر تنزل کنیم، باید گفته می‌شد که مطلب غلط را رد کنیم و نسبت به مطالب دیگر توقف کنیم. اما برای حکم او به تعدیل، وجهی ظاهر نمی‌شود و دیگران با او موافقت نکرده‌اند» [6]

استرآبادی می‌افزاید: «در نسخه‌ای از این کتاب که به دست من رسیده، چنین آمده که عبدالله بن عمر پدرش را هنگام مرگ اندرز داد. عمر گفت: اگر آنها با "اصح بنی هاشم" (مراد، امیر المؤمنین علیه السلام است) بیعت می‌کردند، آنها را به راه راست و روشن می‌کشانید، زیرا او استوارترین فرد بر کتاب خدا و سنت پیامبر است. عبدالله به پدرش گفت: پس چرا او را جانشین خود نمی‌سازید؟»

نیز در این نسخه آمده که دوازده امام از فرزندان اسماعیل پیامبرند، یعنی رسول خدا و دوازده امام هستند.

هیچ یک از این دو سخن مشکلی ندارد.»

10. صاحب منهج المقال ذیل کلام شهید ثانی که گفته: «دیگران با او موافقت نکرده‌اند» گوید:

«پیشتر گفتیم که در نسخه‌هایی از کتاب سلیم که به دست ما رسیده، چنین آمده که عبدالله بن عمر در هنگام مرگ پدرش او را اندرز داد. در همین نسخه‌ها آمده که امامان با پیامبر، سیزده تن هستند. این کلمات دلالت بر جعل نمی‌کند. ضمناً باید دانست که علامه خود در آخر قسم اول کتابش خلاصه الما قول، سلیم بن قیس را در شمار اولیای امیر مؤمنان علیه السلام یاد کرده و این را از کلام برقی نقل می‌کند. و این خود دلیل بر عدالت اوست.»

11. صاحب ایجاز المقال پس از نقل کلام علامه و میرزا گوید:

«شاید وجه حکم علامه به تعدیل او، تظافری باشد که از کلام کشی بر می‌آید که تصدیق و اشتهار آن را می‌نمایاند، یا دستیابی او بر کلامی باشد که چنین نتیجه‌ای را صریحاً یا ضمناً یا التزاماً می‌رساند. همچنین به کلام میرزا در وجه تعدیل سلیم نباید توجه شود، زیرا عبارت علامه در خاتمه خلاصه، صراحت در این ندارد که این کلام برقی باشد، بلکه شاید دلالت کند که این کلامی مستأنف است، زیرا بعد از نقل کلامش گوید: «در شمار اولیای حضرتش گروهی هستند که بعضی از آنها را یاد کردیم»؛ الخ»

12. صاحب ایجاز المقال در بخشی دیگر گوید:

«علامه عدالت سلیم را تأیید کرده. آنگاه کتابش را صحیح دانسته مگر مطالب غلط آن را، به دلیل این که می‌توان طرق ضعیف آن را متظافر دانست یا تمام کتاب را به طریق دیگری استوار دانست. پس کلام شهید که گفته: «توقف در مطالب غلط وجهی ندارد - تا آخر»؛ وجهی ندارد. مقتضای معنای توقف، عدم قطع است. پس آنجا که شهید گفت: «تا آخر»؛ اگر تنزل کنیم - تا آخر»؛ وجهی نمی‌یابد.

نعمانی در کتاب المغیبه احادیث زیادی از کتاب سلیم آورده به این مضمون که امامان بعد از رسول خدا، دوازده نفرند. سپس می‌گوید: «توقف که اهل علم و حاملان حدیث اهل بیت، آن را روایت کرده‌اند. این کتاب، قدیمی‌ترین اصل است، که تمام مطالب آن مستقیماً و بدون واسطه، از پیامبر، امیر المؤمنین، مقداد، سلمان، ابوذر، و دیگر کسانی نقل شده که پیامبر و امیر المؤمنین را دیده و از آنها حدیث شنیده‌اند.
کتاب سلیم
از اصولی است که شیعه بدان رجوع می‌کند و بدان عقیده دارد. ما در این کتاب (غیبت فقط بخشی از مطالب آن را آوردیم.

پس از نقل کلام نعمانی اشاره می‌کنیم که بعضی از دانشوران گفته‌اند: «می‌دانی که ابن غضائری معرفت نسبت به بزرگان اصحاب امامیه نداشت، و لذا آنان را جرح می‌کرد. و اعتماد کلینی و صدوق نسبت به سلیم، در اثبات اعتبار آن کافی است. پس به سخن چنین جماعتی اعتبار نیست. بعلاوه صاحبان علم رجال، او را به نیکی یاد کرده و مدحش نگفته‌اند. پس هر چه دوست داری برای خود برگزین.»

تا اینجا کلام صاحب «ایجاز المقال» است.

13. صاحب منتهی المقال گوید [7]:

«مولی محمدباقر وحید بهبهانی در تعلیقات خود بر کتاب منهج المقال گوید: میرزای استرآبادی در منهج المقال گفته: «سندهای این کتاب با هم اختلاف دارد - تا آخر کلامش. ما از این ناحیه زیانی بر کتاب نمی بینیم. بسا که از کافی کلینی و خصال صدوق و المفهرست طوسی کثرت طرق به دست آید.

در مورد تضعیف غضائری سخن همان است که بارها گفته شده است. [8]

میرزای استرآبادی گفته: «اندرز گفتن محمد بن ابی بکر به پدرش معقول نیست»؛ [وحید بهبهانی می افزاید:] جدم [9] گفته: چنین چیزی استبعاد ندارد، اگر به تعلیم مادرش اسماء بنت عمیس بوده باشد. در این سخن تأمل کنید.

استرآبادی از «ضعف سند»؛ کتاب سلیم، سخن گفته. در حالی که در کافی و خصال، سندهای صحیح و معتبر وجود دارد که به سلیم می رسد. از روایت

کافی
و

خصال

بر می آید که روایت کلینی و صدوق از کتاب سلیم بوده و اسنادشان به سلیم است در آنچه روایت کرده اند. این وجه برتر است، علاوه بر این که روایت کلینی و صدوق از سلیم در یک حدیث، از دو طریق است: گاهی از ابن اذینه از ابان از سلیم، و گاهی از حماد از ابراهیم بن مر از ابان از سلیم. دقت کنید. از روایت کلینی و صدوق بر می آید که نسخه کتابی را که نزدشان بوده صحیح می دانستند، چنانکه عبارات نجاشی، کشی، و فهرست طوسی می رسانند. بلکه شاید منابع دیگر نیز صحت اصل کتاب را نتیجه دهد، به ویژه آنچه از کافی بر می آید.

پس شاید نسخه غضائری نسخه مغلوطی بوده است. از هبة الله بن احمد رسیده که در کتاب سلیم، از «دوازده امام از نسل امیر المؤمنین»؛ سخن رفته است. ظاهر آن است که نسخه های کتاب، مختلف است، در پاره ای از آنها

چنین آمده که اشاره شد، و در بعضی دیگر آمده «دوازده امام از نسل رسول خدا»¹⁰. این از باب سهو القلم است.

جدیم گوید [10]: در کتاب سلیم آمده «دوازده امام از نسل پیامبر»¹¹؛ و این به قاعد¹² تغلیب است. امیر المؤمنین به منزله فرزندان پیامبر است، همانگونه که در جایگاه «برادر پیامبر» قرار داشت. این گونه تعبیرات در کافی و منابع دیگر بارها آمده است.

14. محقق بهبهانی می‌افزاید: اگر عبارت کتاب «دوازده امام از نسل امیرالمؤمنین» باشد، باز هم به قاعد¹³ تغلیب می‌توان پذیرفت. به هر حال، وجود یک جمله که ظاهر آن مخالف برخی مبانی باشد، دلیل بر جعلی بودن تمام کتاب نمی‌شود. بعلاوه جعل به این بیان خالی از غرابت نیست. دقت شود.

اما حکم علامه به عدالت سلیم، شاید با ملاحظه¹⁴ کلام [بعضی از مصادر رجالی مانند] «ین، قی، عق، کش» باشد. در بحث پیرامون ابراهیم بن صالح جواب دیگری داده‌ایم. دقت کنید.

15. مؤلف (صاحب روضات) گوید:

کلامی که از میرزای استرآبادی - صاحب منهج المقال - نقل شد که ابن عمر پدرش را اندرز داده، در مورد آن باید گفت که این مطلب در اواخر فاصله‌های کوتاه نقل شده، از جمله این لفظ سلیم، که در منتهی المقال، از آن نقل شده است:

«سلیم گوید: محمد بن ابی‌بکر را دیدم. به او گفتیم: آیا بجز برادرت عبدالرحمان و عایشه و عمر کسی در آخرین لحظات عمر پدرت حاضر بوده و مطالبی را که به گوش من رسیده، از او شنیده‌اند؟»

گفت: مطالبی از او شنیده‌اند. سپس گریسته و گفته‌اند که هذیان می‌گویند. البته تمام آنچه من شنیده‌ام - تا آنجا که گوید - سپس برادرم بیرون رفت تا برای نماز وضو بگیرد.

وقتی سخن از تابوت شد - یعنی تابوتی که در دوزخ است - که در هنگام خروج روحش از تن به او نشان داده‌اند، گمان کردم که هذیان می‌گوید.

تا آنجا که گوید: ابوبکر گفت: گونه‌ام را به زمین بچسبانید. چنان کردیم. او پیوسته سخن از هلاک و گرفتاری خود می‌گفت. آنگاه عمر وارد شد در حالی که چشمان پدرم بسته بود. عمر پرسید: پس از اینکه من رفتم، آیا ابوبکر سخنی دیگر گفت؟ مطالبش را باز گفتم. گفت: خداوند بر جانشین پیامبر رحمت آورد، این سخنان را کتمان کنید زیرا هذیان است. و شما خاندانی هستید که به هذیان گویی در هنگام مرگ شناخته شده‌اید. عایشه گفت: راست می‌گویی. تمام آنان به من گفتند: مبادا این مطالب را به کسی بگویی.

تا آنجا که گوید: سلیم گفت: وقتی محمد بن ابی بکر در مصر کشته شد، و به امیر المؤمنین تعزیت گفتیم، سخنانی را که از او شنیده بودم، به حضرتش باز گفتم. امیر مؤمنان فرمود: محمد راست گفته است، او شهید است و زنده و روزی می‌خورد.

1 صلی الله علیه و آله. میرزای استرآبادی پس از نقل این مطالب می‌افزاید: اینکه سلیم، سخن از «سیزده امام» آورده باشد، من تمام کتاب را از اول تا آخر خواندم و چنین سخنی در کتاب نیافتم، بلکه در چندین جای کتاب، آمده: «دوازده امام، که یازده امام از نسل علی علیه السلام هستند».

شاید این نسبت از آن روی باشد که مطالبی در آن یافته‌اند مانند حدیث پیامبر که فرمود:

فرمود وصیت من به و، داد قرار راهنما و نبی و رسول مرا، برگزید را علی و مرا، نگرست زمین اهل به خداوند: «که علی را برادر و ولی و وصی و جانشین در امتم پس از خودم قرار دهم. آنگاه باشید! اوست ولی هر مؤمن پس از من. ای مردم! خداوند دیگر بار نگرست، و پس از ما دوازده وصی از خاندانم برگزید که آنان را یک یک برگزیدگان امتم قرار داد.»

نیز در حدیث دیرانی است که از حواری‌ون حضرت عیسی علیه السلام بود، و پس از جنگ صفین نزد علی علیه السلام آمد، و اشاره کرد که نوشتارهای عیسی علیه السلام به املای آن حضرت و خط پدر دیرانی نزد او موجود است. در آنها آمده است که سیزده تن از نسل اسماعیل برگزیدگان خلق خدا و محبوب‌ترین آفریدگان نزد خداوند.

تا آنجا که گوید: تا آن که عیسی بن مریم در زمان آخرین امام، از آسمان فرود آید و پشت سر او نماز گزارد.

1 علیه السلام. (میرزای استرآبادی ادامه می‌دهد): اگر مشکلاتی که به کتاب سلیم نسبت می‌دهند، به دلیل چنین خبرهایی باشد، اشتباه قطعی است. زیرا:

در خبر اول پس از قسمت نقل شده آمده است: «نخستین امام، برادر علی است، سپس حسن، آنگاه حسین، سپس نه تن از فرزندان حسین».

و در خبر دوم، در بیان سیزده تن یاد شده گوید: «احمد رسول خدا، که محمد یاسین است - تا آنجا که گوید: - سپس برادرش، وزیرش، جانشینش، که او را بیش از همگان دوست داشت، پسر عمویش علی بن ابی طالب که ولی هر مؤمن بعد از اوست، آنگاه یازده مرد از فرزندان و نوادگانش، نخستین آنها شبر، دوم شیر، و نه تن از فرزندان شیر - تا آخر حدیث».

ضمناً باید دانست که بیشتر احادیث موجود در کتاب سلیم، در کتابهای معتبر دیگر نیز موجود است، مانند توحید صدوق، اصول و روضه کافی کلینی، و منابع دیگر. بلکه اندک شمار است احادیث از کتاب سلیم که در اصول مشهور یافته نشود.

در آغاز کتاب، طبق نسخه‌ای که داریم، آمده است:

برایم حدیث کرد ابوطالب محمد بن صبیح بن رجا در دمشق سال 334، گفت: خبرم داد ابوعمرو عصمه بن ابی عصمه بخاری، گفت: برایم حدیث کرد ابوبکر احمد بن منذر بن احمد صنعانی در صنعاء شیخ صالح مأمون همسایه اسحاق بن ابراهیم دیری گفت: ابوبکر عبدالرزاق بن همام بن نافع صنعانی حمیری به من گفت از ابوعمرو معمر بن راشد که گفت: ابان بن ابی عیاش یک ماه قبل از مرگ خود مرا فراخواند و به من گفت که من خواب دیده‌ام که بزودی می‌میرم - تا آخر»

18. صاحب روضات می‌افزاید:

استرآبادی کلام را تفصیل داده تا آخر آنچه در شرح حال حسن بن یسار بصری خواهیم آورد، البته با اختلافی اندک. البته تفاوت میان آنها در صحت و ضعف سند، زیاد است. و لا ینب تک مثل خبیر.

سخن در وثاقت سلیم است، بلکه در این که او در بالاترین درجه معرفت و دیانت است، و در شمار اولیای هدایت پذیر

خداوند جای دارد. بعد از این همه تفصیل کلام و اقامه دلایل، اگر به یقین یا آرامش کامل به این مطلب رسیدی، خدای تبارک و تعالی را شکر گزار که توفیق یافته‌ای به درجه انصاف برسی و از دایره ستم و بدبینی بیرون آیی، وگرنه از تو می‌خواهیم برای ما و خود دعا کنی که نسبت به بزرگان اصحاب، خوش گمان باشیم و درون جان را از وسواس و تردید پاک نگاه داریم. اوست پادشاه بخشنده و مالک انسانها و مسبب الماسباب و گشاینده درها، که اجر صابران را بدون محدودیت می‌دهد.»

تا اینجا سخن جدهمان پیشوای دانا بود، قدس الله روحه در کتاب روضات الجنات. کوشیدیم بر اساس نسخه خط شریفش در تصحیح آن بکوشیم.

[بخش دوم - بیان چند دانشمند رجالی]

1. از کتاب اسماء الرجال نوشته شیخ جلیل معظم حسن بن علی بن داوود حلّی - قدس الله نوره و نور ضریحه - نسخه‌ای داریم به خط محمد بن محمد بن زین المدین، معروف به ابن معتوق، که تحریر آن را در روز جمعه 29 شوال 9 علیه السلام علیه السلام به پایان برده است. این نسخه را سید علی بن حسین بن صائغ با نسخه جدهمان شهید ثانی - قدس الله نفسه الزکیة - مقابله کرده که این مقابله در روز یکشنبه 28 شوال 9 علیه السلام 8 به پایان رسیده است. کتاب و مؤلف و این نسخه را در کتابمان فهرست کتب خطی چاپ اصفهان شناسانده‌ایم.

در این کتاب، ابن داوود می‌نویسد: «سلیم بن قیس، صاحب کتاب، هلالی. ی، ن، سین، ین، قر، قی: از اولیا بود. کش [12]»
تصدیق او را روایت کرده، غض کتابش را جعلی دانسته و گفته که در آن آمده که تعداد امامان سیزده است و اسانید آن نیز ساختگی است»

2. این نسخه تعلیقه‌ای در ذیل این شرح حال ندارد. ولی نسخه‌ای دیگر از رجال ابن داوود در اختیار داریم به خط سیدمحمدعلی حسینی اصفهانی تحریر 100 صلی الله علیه و آله، که تعلیقاتی بر این شرح حال، از مولانا عبدالملک بن حسین شوشتری متوفی 1021 در اصفهان دارد. تعلیقه شوشتری چنین است:

الف. سلیم. به نوشته خلاصه الاقوال علامه، به ضم سین است.

ب. کش. نیکو گفت ابن داوود که تصدیق کشی نسبت به روایت او را اسناد کرده است. این سخن مطابق است با آنچه در کتاب کشی یافته‌ایم.

ج. قی. سید علی بن احمد عقیقی گوید: سلیم بن قیس از اصحاب امیر المؤمنین است - تا آنجا که گوید: فقط ابان از سلیم روایت کرده، چنانکه در خلاصه علامه آمده است.

د. گویی مراد مصنف از اولیاء این است که سلیم از موالی امیر المؤمنین است. این معنا از کلام او فهمیده نمی‌شود، زیرا اگر در کلام عقیقی بود، علامه در خلاصه نقل می‌کرد، چنانکه شیو [اوست. ع ۱۵]. [13]

3. نسخه‌ای از تلخیص المقال (معروف به رجال و سبط) نوشته میرزا محمد بن علی استرآبادی (متوفی 1028 مکه) در اختیار داریم که در جمادی الثانیة 988 به پایان برده و در شناسانده‌ایم. این نسخه از روی نسخه‌ای متعلق به دور [حیات مؤلف نوشته شده است. فهرست نسخه‌های خطی

نسخه‌ای دیگر نزد ما است که کاتبش نور الدین احمد بن جمال الدین محمد شیرازی در روز پنج شنبه 14 ربیع الثانی 1020 به پایان برده است.

در هر دو نسخه، حواشی مفصلی از مصنف وجود دارد. البته سه نسخه دیگر از این کتاب داریم که حواشی آنها کامل نیست.

در متن کتاب استرآبادی آمده است:

«سلیم بن قیس هلالی. ی ن سین قر؛ هلالی [14] عامری کوفی صحابی امیر المؤمنین علیه السلام، بن، کشی احادیثی آورده که بر صحت کتابش گواه است. در طریق کلامی است. سید علی بن احمد عقیقی گوید: سلیم نوری داشت که او را برتری می‌داد. ابن غضائری گفته که کتاب مشهور را به او نسبت می‌دهند و اصحاب ما می‌گفتند که سلیم شناخته شده نیست و در حدیثی یاد نشده است. من یاد او را در چند موضع بدون کتابش و بدون روایت ابان بن ابی عیاش از او یافته‌ام. ابن عقده او را در شمار رجال امیر المؤمنین علیه السلام یاد کرده و احادیثی از او آورده است. البته کتابش بی تردید ساختگی است به چند دلیل: اول اینکه می‌گوید محمد بن ابی بکر پدرش را در هنگام مرگ اندرز داد. دوم اینکه امامان را سیزده تن می‌داند. و موارد دیگر.

اسانید کتاب، اختلاف دارد، گاهی به روایت عمر بن اذینه از ابراهیم بن عمر صنعانی از ابان بن ابی عیاش از سلیم، و گاهی از عمر از ابان بدون واسطه.

نظر من تعدیل او و توقف در مطالب غلط کتابش است.

تا اینجا مطالب علامه در خلاصه الماقرال بود.

در صه و تی، او را از جمله اولیای امیر مؤمنان علیه السلام می دانند. و شاید همین دلیل حکم به تعدیل او باشد.

در فهرست طوسی است: ابوصادق، صاحب کتاب. حماد بن عیسی و عثمان بن عیسی از ابان بن ابی عیاش از سلیم بن قیس روایت کرده اند. طریق دیگر: حماد بن عیسی از ابراهیم بن عمر یمانی از سلیم بن قیس.

مشابه این مطالب را نجاشی آورده است.

4. استرآبادی در تعلیقات خود بر کتاب خود تلخیص الماقرال (رجال و سیط) گوید:

الف. گویی این مطلب، از تتمه کلام غضائری است چنانکه شهید ثانی گوید. به هر حال، اختلافی که دیدیم، در اصل نیاروریم.

طریق کشی به او چنین است: محمد بن حسن برای از حسن بن علی بن کیسان از اسحاق بن ابراهیم بن عمر یمانی از ابن اذینه از ابان از سلیم.

شهید ثانی گوید: در طریق کشی، ابراهیم صنعانی و ابان قرار دارند که ابن غضائری در مورد آنها طغیان کرده و ضعیف دانسته است. دقت شود.

ب. این از علامات ساختگی بودن کتاب است ... [مرحوم روضاتی عین مطالب بند 9 و 10 بخش اول را در اینجا تکرار کرده است]

ج. در اینجا آمده که ابن عمر پدرش را اندرز داد نه محمد بن ابی بکر، و اما همان همراه با پیامبر، سیزده تن هستند. هیچ یک از اینها بر ساختگی بودن دلالت ندارد. و الله اعلم.

تا اینجا منقولات از تعلیقات میرزای استرآبادی بر رجال و سیط است که از این کتاب نفیس فقط متن آن منتشر شده است ضمن شرح آن که است، اما او حواشی استرآبادی را نیاورده است. زیرا نسخه او این حواشی را نداشته است. وگرنه از نقل آن غفلت نمی کرد. بدین روی جامع الروا
۵
از این ناحیه مهم ناقص است.

این نکته را که - سپاس خدای را - بدان تفتن یافته ایم، هیچ یک از اصحاب تراجم و فهارس را ندیدیم که بدان اشاره کرده باشد.

5. نسخه ای نفیس از کتاب منتهی المقال (رجال کبیر) میرزای استرآبادی در اختیار داریم که مزیّن به حواشی مهم و فراوان شیخ محمد امین کاظمی صاحب هدایة المحدثین به خط شریف اوست. در اینجا فقط حواشی کاظمی را به جهت فوایدی که دارد، نقل می کنیم.

الف. استرآبادی سلیم را از راویان امام صادق علیه السلام دانسته است. این سهوی است که بر قلم او راه یافته، زیرا سلیم هرگز محضر امام صادق علیه السلام را درک نکرده است. چنانکه از چندین موضع بر می آید.

اینکه استرآبادی گفته: «از حسن و حسین 8 روایت کرده»؛ بهتر آن بود که بگوید: «ابی المحسنین علی بن ابی طالب علیه السلام»؛ زیرا سلیم از اصحاب حضرتش بود. اگر این سیاق نباشد، احتمال دارد که به جای آن «ابی جعفر» باشد که راوی آن جناب نیز بوده است. به هر حال، سلیم راوی امام اول تا پنجم بوده است. در کلام، تبدیلی است همراه با ترک، و مطلب پوشیده نیست. ملا عنایت.

ب. گوید: «نسبت به مطالب غلط آن باید توقف کرد»؛ مراد به این مطالب دو نکته است:

یکی اندرز گویی محمد بن ابی بکر به پدرش که در آن زمان محمد سه ساله بوده است. این استبعاد ندارد چون می تواند به تعلیم مادرش اسماء بنت عمیس باشد.

دوم اینکه گفته «دوازده امام از فرزندان پیامبر»؛ که می تواند بر اساس قاعدۀ تغلیب باشد، ضمن آنکه امیر

مؤمنان به منزله فرزند رسول خدا است همانگونه که برادرش بود. امثال این عبارات در کافی و منابع دیگر نیز هست. م
ح.ق. [15]

ج. محمد بن ابراهیم نعمانی در کتاب غیبت ضمن بحث از روایاتی که امامان را دوازده تن می‌داند، در باره کتاب
سلیم
مطلبی دارد که گوید: در میان تمام شیعه کسی نیست تا آخر کلامش.
[16]

د. در متن آمده: از اسحاق بن ابراهیم از ابراهیم بن عمر.

این گونه در رجال کشی و طوسی نیست، بلکه اسحاق بن ابراهیم بن عمر است. در نسخه ملا عنایت چنین است.

ه. در متن آمده: «گفت راست می‌گویی». این مطلب روشن نیست. شاید چیزی از آن ساقط شده باشد. در
کتاب سلیم
دللی است بر اسقاط، و اینکه او حکم را بر امام حسن و امام حسین
8
عرضه کرده، پس گویی روایت را مختصر کرده است. م.د.

این مطالب به خط ملا محمد امین است.

صلی الله علیه و آله. استرآبادی در رجال و سیط مطالبی در مورد ابان بن ابی عیاش در متن و حاشیه آورده که نقل آن
مناسب می‌نماید. گوید:

«ابان بن ابی عیاش فیروز، تابعی ضعیف. در خلاصه از غضائری افزوده: از انس بن مالک و علی بن المحسین علیه السلام
روایت کرده. نباید به او توجه کرد. اصحاب ما جعل کتاب سلیم را به او نسبت می‌دهند.

عقیقی گوید: ابن بن ابی عیاش. وسیله آشنایی او با ابن امر (شیعه)، سلیم بن قیس هلمی شد، زمانی که حجاج در طلب
سلیم بود تا او را بکشد، از آن رو که صحابی امیر مؤمنان بود. او به منطقه‌ای در دیار فارس گریخت و به ابان بن ابی
عیاش پناه برد. وقتی مرگ را احساس کرد، به ابان گفت: حقی بر من داری. اینک که مرگم نزدیک شده، برادر زاده! پس
از رسول خدا چنین و چنان شد. آنگاه کتابی به او سپرد. بدین روی تنها راوی از سلیم، ابان است.»

علیه السلام. میرزای استرآبادی در هاشم می نویسد: «ساختگی بودن کتاب، محل تأمل است. حقیقت مطلب ذیل سلیم بیان خواهد شد».

نیز می نویسد:

«گفته اند: این کتاب ساختگی است، به دو دلیل: اندرز دادن محمد بن ابی بکر به پدرش در هنگام مرگ او، و اینکه امامان را سیزده تن می داند.

اما حق این است که نسخه هایی که به دست ما رسیده، مشتمل بر مطلب باطل نیست. در آنها آمده که عبدالله بن عمر پدرش را اندرز داد، و ائمه همراه با پیامبر، سیزده تن هستند. لذا نشانه ای از جعل در کتاب نیست.»

8. در یک نسخه از نسخه های خطی کتاب او، تعلیقه ای است که می آوریم. گوید: «در کتاب ذهبی گوید: ابان بن ابی عیاش عبدی بصری، از انس و ابوالعالیه و جمعی روایت می کند.»

[بخش سوم - فوائد متفرقه]

1. علامه فاضل حاج میرزا ابوالحسن شعرانی در چند موضع در بار سلیم و کتابش سخن گفته است:

الف. در مقدمه المطبع منتخب التواریخ نوشته ملاهاشم خراسانی (چاپ اسلامیه تهران، ص ط) می نویسد:

«در بین مردم کتب دینی بسیار متداول است که مؤلف آن غرض تأسیس نداشته است. نظیر طرائف سید ابن طاووس - تا آنجا که گوید - و کتاب سلیم بن قیس هلالی که یک نفر از شیعیان قدیم احتجاجات بسیار از زبان مردی به نام سلیم بن قیس از صحابه امیر المؤمنین علیه السلام ترتیب داده است.»

ب. در تعلیقه ای بر شرح اصول کافی نوشته ملا صالح مازندرانی (ج 2 ص 1 صلی الله علیه و آله 3) پس از نقل عبارات علامه حلی در بار سلیم و کتابش می نویسد:

«تمام آنچه از سلیم نقل می‌شود، از همین کتاب معروف اوست که چاپ شده است. و امور فاسدی در بر دارد که یاد کرده‌اند. پس مطالب منقول از آن اعتبار ندارد مگر آنچه به قرینۀ عقلی یا نقلی تأیید شود. ابن غضائری گفته که یاد کرد سلیم را بدون جهت کتابش و روایت ابان بن ابی عیاش از او یافته است، و ابن عقده احادیثی از او ضمن رجال امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده است.»

ولی ما، در کتابهای حدیث که در اختیار داریم، حدیثی از او نیافته‌ایم. پس سخن در مورد او منحصر به همین کتاب می‌شود که بسیار ضعیف است، مانند کتاب حسنیه و کتاب عبدالمحمود انصاری که اسلام آورد و در مورد مذاهب مختلف سرگردان بود تا اینکه خداوند، او را به تشیع هدایت کرد

[17]

. یعنی برای هدفی صحیح ساخته شده، اگر چه واقع و حقیقت ندارد.»

ج. در تعلیق دیگری بر همان کتاب ص 3 علیه السلام³ می‌نویسد:

«بارها گفته‌ایم که سخن گفتن در بار سلیم بن قیس و ابان بن ابی عیاش باید منحصر شود به کتابی که امروز به نام کتاب سلیم در دسترس است. حق این است که این کتاب برای هدفی صحیح ساخته شده است، مانند حسنیه و طرائف نوشته ابن طاووس و المرحلة المدرسیة نوشته شیخ محمد جواد بلاغی و مانند آن.»

سازند این گونه کتابها اموری مشهور و غیر مشهور گرد می‌آورد. و چون معصوم نیست، مطالب غیر صحیح نیز می‌آورد. ظاهر این است که این کتاب در اواخر دولت بنی امیه ساخته شده که شمار خلفای جور به دوازده تن نمی‌رسید. زیرا در این کتاب آمده که خلفای غاصب به دوازده تن می‌رسند، آنگاه حق به اهل آن باز می‌گردد، با اینکه می‌بینیم خلفای بنی امیه آمدند و رفتند، ولی حق به اهلش باز نگشت.

به هر حال، اگر مطلبی از مطالب آن به دلیلی از خارج تأیید شد، معتبر است، وگرنه به متفردات آن اعتباری نیست. البته غالب در آن تأیید و عدم تفرد است.»

بر کلام فاضل شعرانی می‌افزایم که در کتاب سلیم، اشاره‌ای ندیدیم که پس از دوازده خلیفۀ غاصب، حق به اهلش باز

گردد. والملة العالم.

2. کتاب سلیم در حدود سال 13 علیه السلام⁰ هجری قمری در نجف اشرف (مطبعه حیدریه) چاپ و منتشر شد.

در این چاپ، مقدمه‌ای در 54 صفحه در مورد کتاب و مؤلف آمده است. در صفحه عنوان، عبارت «کتاب سلیم بن قیس المکوفی» و در صفحه عنوان پس از مقدمه، «کتاب المسقیفة المعروف بکتاب سلیم» ثبت شده است.

نویسند [مقدمه خود را به عنوان «المفتقر الی عفو ربه المغنی العلوی المحسنی المنجفی» شناسانده است.

بدون تردید، وی صدیق ما علامه آیه الله سید محمد صادق طباطبایی آل بحر المعلوم است (قدس الله روحه) که نام شریف خود را به دلیل تقیه پنهان می‌داشت. این شیو [او بود، که در مورد کتاب عمده المطالب نیز چنین عمل کرد.

المبته در مقدمه کتاب سلیم، مطالب محقق نجفی مرحوم شیخ شیرمحمد همدانی را گرد آورد و تدوین کرد و نگاشت. وی این یادداشتها را ذیل نسخه [خود نوشته بود، چنانکه پس از بررسی برای ما روشن شد. پس این مطالب، از آن سید بحر المعلوم نیست، بلکه در آغاز و انجام یادداشتهای همدانی چند سطر نوشته و به تدوین آنها پرداخته است.

استاد ما علامه شیخ آقابزرگ تهرانی در المذریعه ج 2 ص 158 - پس از وصف نسخه [کتاب سلیم که در اختیار جدّ ما شیخ حرّ عاملی صاحب وسائل المشیعه بوده - می‌نویسد:

«نسخه [شیخ حر، کامل ترین نسخه‌ای است که من دیده‌ام. ظاهراً آن را با نسخه [دانشور معاصر خود علامه [مجلسی مقابله کرده بود. مجلسی نیز نسخه [خود را با نسخه [کهنی به تاریخ صلی الله علیه و آله 09 به خط ابومحمد رمانی مقابله کرده بود، چنانکه شیخ عبدالله مامقانی در تنقیح المقال، از او نقل می‌کند.

با این همه پاره‌ای از احادیث روایت شده از سلیم که در منابع معتبر قدما، مانند غیبت نعمانی آمده، در آن نسخه نبود. فاضل معاصر شیخ شیرمحمد بن صفرعلی همدانی نجفی آنها را از منابع دیگر گرد آورده و ذیل نسخه [خود - که از روی نسخه [شیخ حر نوشته بود - قرار داده بود. بدین سان، نسخه [همدانی، از روی نسخه [تصحیح شد [شیخ حر نوشته شده، مقابله مکرر با نسخه‌های دیگر شده و تصحیح دقیق همراه با تعیین مواضع اختلاف نسخ شده بود. خداوند جزای خیرش دهد و اجر این خدمتش را به بهترین وجهی نیکو کند. که بهترین و کامل ترین نسخه از

کتاب سلیم
را ارائه کردند.»

3. نگارنده در کتاب «تکملة الذریعة» [18] ذیل نام «ابومحمد رمانی» نوشته‌ام:

«در اصل طبع، این نام، «ریحانی» ثبت شده بود. مصنف (محقق تهرانی) در استدراکات چاپ شده در پایان جلد چهارم ذریعه آن را به «رمانی» تصحیح کرده بود. و این درست است چنانکه از تنقیح المقال ج 2 ص 54 بر می آید.

ضمناً استاد ما محقق تهرانی، ابومحمد رمانی را در ضمن کتابش طبقات اعلام المشیعة یاد نکرده، با این که شیو او یاد چنین افرادی است. همچنین امامقانی مأخذ نقل خود از علامه مجلسی را نام نمی برد و می گوید:

از کهن ای نسخه: گوید می. است گفته مأخذ ذکر بدون را مطلب این مجلسی؛ کتاب سلیم بن قیس دیدیم با دو روایت که اندکی اختلاف با هم داشتند. در پایان یکی از آنها آمده بود: تم کتاب سلیم بن قیس بحمدالله و عونه غرة ربیع الآخر من سنة تسع و ست مائة. کتبه ابومحمد الرمانی - المی آخر؛

4. نگارنده در «تکملة الذریعة» ام نوشته نیز «محمد شیر شیخ» نام ذیل؛

«بر اساس این نسخ کم نظیر شیخ شیر محمد (قدس الله سره و شکر مشاعیه الجمیلة فی إحياء کثیر من المنسخ المنادرة) کتاب سلیم در حدود سال 13 علیه السلام در مطبعه حیدریه نجف منتشر شد. المبتنه او به رعایت تقیه، نه نام خود را نوشته بود، نه تاریخ چاپ را. کسی که به این مهم اقدام کرد، صدیق ما سید فاضل بارع مجتهد محقق سید محمدصادق طباطبایی آل بحر العلوم (طالب ثراه) بود. او نسخه را برای مطبعه آماده کرد، سپس به مقابله و تصحیح آن بر اساس نسخ شیخ شیر محمد همت گماشت، و تعلیقات ارزشمند او را به حاشیه صفحات انتقال داد. که با امضای «عن المهاشم» مشخص کرد. همچنین یادداشتهای او را در ضمن 54 صفحه مقدمه سامان داد.

سید به تمام این موارد در کلام موجز ده سطری خود که در صدر مقدمه آورده، اشاره می کند. در آنجا بطور تقیه، با عنوان «بعض الأساتذة» و «الاستاذ المحقق» از شیخ شیرمحمد همدانی یاد می کند. و مقدمه را با عنوان «المعلوی المحسنی المنجفی» امضا می کند.

به این نکات با دقت و پیگیری دست یافتیم. والمحمد لله رب العالمین.

پس از انتشار نخستین چاپ در نجف بعضی از اصحاب علم و قلم، از این تحقیقات بهره گرفتند. و برخی از آنان مأخذ خود را یاد نکردند. کتاب سلیم بر اساس این چاپ، بارها در ایران و لبنان تجدید چاپ شد.»

5. محقق تهرانی در کتاب ذریعه، از یک نسخه کتاب سلیم یاد می کند با این وصف: «نسخه استادمان علامه نوری که به خط سید محمد موسوی خوانساری است و در سال 12 علیه السلام^۵ تحریر شده است.»

نگارنده در کتاب خود «تکملة المذریعة» در بار آن می نویسد:

«این نسخه اخیراً به تملک شیخ عالم فاضل جلیل محمد علی اردوبادی نجفی در آمد. المبته ما آن را ندیده ایم، ولی احتمال قوی می دهیم که کاتب آن جد ما علامه خبیر ماهر آیه الله المبهرة سید محمد خوانساری (1222 - 1293) برادر جد دیگرمان علامه سید محمد باقر موسوی اصفهانی صاحب روضات باشد.»

المبته نسخه ای از کتاب سلیم به خط همین سید محمد در اختیار داریم که کتابت آن را در روز یکم جمادی الاوایی سال 1288 به پایان برده و موافق است با نسخه دیگری که به سال 12 علیه السلام^۵ نوشته است. بی شبهه جد ما دو نسخه را از روی نسخه ای کهن نوشته که در اختیار صاحب روضات بوده و او در ضمن شرح حال سلیم بدان اشاره می کند که: «نزد ما نسخه ای کهن از این کتاب هست حدود چهار هزار بیت...»
[\[19\]](#)

مرحوم میر سید محمد با تلاش فراوان و همت عالی خود، در طول حیات خود دهها کتاب را احیا کرد؛ یا نوشت، یا امر به نوشتن آنها کرد، یا نسخه های ناقص را تمام کرد، یا اصلاح و تجلید و ترمیم کرد، چنانکه در کتابها و فهرستهای خود و نیز در جاهای مختلف مکارم الآثار یاد کرده ایم.

این همه کتابهای گرانسنگ بعدها پراکنده شدند، و بعضی به دست اهل علم رسید. اما بسیاری از آنچه حاصل تلاش آن مرد بزرگ بوده، هم اکنون در دست ما و بنی اعمام ما موجود است.

صلی الله علیه و آله. نکته ای در مورد ابومحمد رمانی باید گفت. جد ما علامه سید محمد خوانساری در آغاز نسخه خود از کتاب سلیم - که نزد ما موجود است - مطلبی از کتاب المأسئلة و الماجوبة للسید مهن آ بن سنان (پاسخ به پرسش های سید مهن آ از علامه حلی) در مورد کتاب سلیم نقل می کند و پس از آن از یک نسخه خطی مختصر المبصائر نقل می کند:

«در یکی از نسخه‌ها در پایان جزء اول آمده: تم کتاب سلیم بن قیس المهللی بحمد الله و عونہ صورۃ تاریخ غرۃ ربیع الأول من سنۃ تسع و ثلاثمائة. کتبه ابومحمد بن المرمانی حامداً مصلیاً علی رسولہ. روی عن المصادق علیہ السلام انه قال: من لم یکن عنده من شیعتنا و محیینا کتاب سلیم بن قیس المهللی فلیس عنده من امرنا شیء و لا یعلم من أسبابنا شیئاً و هو ابجد المشیعة و هو سر من اسرار آل محمد»

این سر آغاز نسخه که نقل شد، با نقل علامه مامقانی از علامه مجلسی در دو موضع تفاوت دارد: یکی نام کاتب (ابومحمد المرمانی / ابومحمد بن المرمانی). دیگری: تاریخ کتابت نسخه (309 / صلی الله علیه و آله و 09). والله تعالی عالم بحقائق الامور.

علیه السلام. یکی از مطالب مهم که شمار زیادی از پژوهشگران بر منبع آن دست نیافته‌اند، حدیثی است که علامه مجلسی در وصف کتاب سلیم از امام صادق صلوات الله علیه روایت می‌کند. در یادداشت آخر نسخه که از جدّ علم‌آمه نقل شد (بخش سوم، بند ششم)، می‌بینیم که این حدیث در نسخه رمانی بوده. پس علامه مجلسی باید از این نسخه نقل کرده باشد. ولی مأخذ نقل رمانی چیست؟ بر ما روشن نیست. و المعلم عندالله سبحانه.

باید دانست که در مقدمه چاپ نجفی کتاب سلیم و افسس بیروتی آن، به نقل از کتاب المذریعه ج 2 ص 152 کلام مروی از امام صادق علیه السلام را از تمهید کلام نعمانی در کتاب غیبت دانسته بدون تمایز میان آنها؛ با اینکه در المذریعه روایت را از کلام نعمانی با علائم جدا کرده تا خلط نشود. ولی در نقل از ذریعه با هم خلط شده است. همچنین در صفحه عنوان همین چاپ، کلام حضرتش در صفحه عنوان آمده بدون اینکه ذکر مدرک شود.

8. دو نسخه - یکی کهن و دیگری جدید - از کتاب سلیم در کتابخانه دانشگاه تهران هست که با نسخه جدّ علامه موافقت دارد. نسخه کهن برای رجوع و مقابله مناسب است. و الله الموفق.

9. با تفحص کتاب الإمامة و المتبصرة من المحیره نوشته شیخ متقدم علی بن بابویه قمی (پدر بزرگوار شیخ صدوق) یادی از سلیم و کتابش نیافتیم. نسخه‌ای از این کتاب که در اختیار داریم، نسخه‌ای منحصر است که به امر علامه مجلسی (قدس الله تعالی روحه، و خذل و اذل اعدائه) از روی یک نسخه کهن کتابت شده است.

[20]

المبته در اصل آن نسخه، چند برگ سفید مانده و کامل نشده چون نسخه دیگری برای تکمیل آن پیدا نشده است.

10. شرح حال سلیم و ابان در بیشتر کتابهای شرح حال راویان و معجم‌های رجالی ثبت شده است. اما پاره‌ای از این کتابها چاپ نشده و بعضی نسخه‌های آن گم شده یا بسیار کمیاب است. برخی منتشر و متداول است مانند تکملة الرجال نوشته شیخ عبدالمنبی و معاصرانش. نیز منابع دیگر رجالی تا زمان ما.

همچنین در برخی از شروح کتابهای حدیثی و تعلیقات بر آنها شامل مطالبی درباره سلیم است. البته در اجزاء باقی مانده از کتاب ریاض العلماء نوشته میرزا عبدالملا افندی اصفهانی یادی از سلیم نمی بینیم.

11. یکی از مشکلات نسخ مخطوط ما، این دو حدیث است:

الف. «نعم. سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله يقول: ليس في جنّة عدن منزل افضل و لا اشرف و لا اقرب من المعرش من منزلتي و معي فيه اثنا عشر من اهل بيتي اولهم علي بن ابي طالب سيدهم و افضلهم و احبهم الى الله و رسوله، و ابنتي فاطمة سيدة اهل الجنة و هي زوجته في الدنيا و الآخرة؛ و ابناي المحسن و الحسين سيّدا شباب اهل الجنة؛ و تسعة من وُلد المحسين - المخ.» [21]

ب. «فقلت: يا رسول الله! سمّهم لي. فقال: ابني هذا، و وضع يده على رأس الحسين، ثم ابن له يسمي عليّ، ثم ابن له يسمي محمدا، فأقرءوه عنّي السلام، ثم تكلمة اثني عشر من ولده - المخ.» [22]

12. شيخ جليل، ياور حقّ و حجت باری، علامه امینی رساله‌ای ویژه کتاب سلیم نوشته که تا کنون چاپ نشده، ولی خود در کتاب المغدير ج 1 ص 195 از آن یاد می کند.

13. سلیم می گوید: «ثم دعا معاوية قراء اهل المشام و قضاتهم فأعطاهم الأموال - المخ.» شایسته است در این مورد به کتاب م صادر نهج البلاغة (چاپ 1392 قمری، ص 14 به بعد) نوشته شيخ عبدالملا نعمه (شکرالله سعیه) رجوع شود که بسطی در این موضوع داده است.

14. تراجم نگاران نوشته‌اند که سلیم از دست حجاج گریخت و متواری و در فارس مخفی شد. ولی حافظ عبدالمغنی بن سعید ازدی (متوفی سال 409) در کتاب المتواریین عن الحجاج (چاپ مجمع اللغة العربیة، دمشق، ج 3 م 50 سال 1395 قمری) از او نام نمی برد. البته در این کتاب کم حجم، تنها ده تن یاد شده‌اند، پس استقصاء نشده است. والله العالم.

15. ابن ابی المحدث حنفی معتزلی در شرح نهج البلاغة ج 12 ص 21 صلی الله علیه و آله - 21 علیه السلام کلامی از شریف مرتضی آورده که سید مرتضی روایتی از سلیم در باره خمس در کتاب شافی خود نقل می کند. ابن ابی المحدث آن را رد کرده و می نویسد:

«روایت سلیم بن قیس هلالی اعتباری ندارد. مذهب سلیم معروف است. و در ردّ روایت او کتابش که میان آنها به کتاب

سلیم

شهرت دارد کافی است. البته من از بعضی از خود آنها (شیعه) شنیدم که می گفتند این اسم بی مسمی است و در دنیا کسی به نام سلیم بن قیس هلالی وجود نداشته است و کتابش جعلی و ساختگی و بی اصل است، اگر چه بعضی از آنها نام او را در شمار رجال آورده اند.»

کلام ابن ابی الحدید همین بود که سرشار از اوهام و گرایش ها و نسبت ها است به افرادی که نام نمی برد. همین کلام، یکی از ادله ای است که انحراف او از حق به سوی باطل را می رساند.

در این مورد، حتماً به کتاب سلسل الحدید لتقیید ابن ابی الحدید نوشته علامه فقیه المشان شیخ یوسف بحرانی صاحب موسوعه فقهی روحه رجوع شود. و الله الموفق.

المحدثق المناصرة (قدس الله

جامع این رساله، امیدوار به رحمت خدایش، سید محمد علی روضاتی (عفا الله تعالی عنه) این رساله را در روز پنجم محرم 1410 به پایان برد.

x. عضو هیئت علمی دانشگاه قم، دانشجوی دوره دکتری دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات تهران taleie20@gmai
l.com

[2]. برگرفته از مقاله «استاد بزرگوار ما علامه روضاتی» نوشته جویا جهانبخش که در کتاب اسنادی از خاندان
روضاتیان
و یک بار دیگر در کتاب «
در پرتو روضات
ص 5 علیه السلام 3 - 584 چاپ شده است.»

[3]. کسی که از مولی صالح مازندرانی نقل می کند، صاحب منتهی المقال است. کلام مولی صالح در شرح اصول
کافی
حروفی ج 2 ص 3 علیه السلام 4 آمده است. در
منتهی المقال
گوید: «آنچه از یک محدث نقل کرده کلام سید داهماد در
الرواشح السماویة

است». باید دانست که عبارت منقول از میر داماد، در نسخه خطی تعلیقات میر داماد بر اصول کافی موجود است. این تعلیقات در اصل، از رواج نقل شده، در حالی که نسخه چاپی رواج این مطلب را ندارد. ضمناً تعبیر «quot&شارح صالح"» از سید داماد به این محدث جالب توجه است. (روضاتی).

[4]. مراد از آن بزرگ، یا بهاءالدین عاملی یا سید داماد است. والملة العالم. (روضاتی).

[5]. مراد او، میرزا محمد استر آبادی در رجال کبیر یا منهج المقال چاپ اول ص 1 علیه السلام¹ است. (روضاتی)

[6]. این عبارت، از جد ما شهید ثانی است، ولی میرزا در منهج نقل نکرده بلکه در حاشیه خود بر رجال و سبط ص 19 آورده است. اما جد ما صاحب روضات در این موضع و دیگران نیز، از حاشیه رجال و سبط نقل کرده‌اند. صاحب روضات پس از اینکه بدان دست یافته، در حاشیه نسخه اصل روضات نوشته است. (روضاتی).

مترجم می‌افزاید: مطالب بعدی که از میرزای استر آبادی نقل می‌شود، از منهج المقال اوست .

[7]. صاحب روضات کلام ابوعلی را از منتهی المقال نقل کرده با تصرفی مختصر در پاره‌ای از کلمات، همانگونه که ابوعلی خود در نقل کلام وحید بهبهانی تصرفی مختصر روا داشته است. (روضاتی)

[8]. نظر وحید بهبهانی که بارها در آثار خود گفته، عدم اعتنا به تضعیف غضائری است. به دلائل مفصل خود. (مترجم)

[9]. کلمه «quot&جدم"» در کلام محقق بهبهانی یعنی مولی محمد تقی مجلسی اول. (روضاتی)

[10]. اشاره شد که مراد محقق بهبهانی از کلمه «جدیم»؛ «مجلسی است. این کلام را در کتابش روضه المتقین، ضمن شرح حال سلیم در اواخر کتاب ج 14 ص 3 علیه السلام¹ آورده است. (روضاتی)

[11]. یعنی اینکه یازده امام از نسل پیامبرند، و امیر المؤمنین گرچه از نسل پیامبر نیست، در ضمن آنان به شمار آمده است. (مترجم)

[12]. این نشانه‌های اختصاری، رموز کتابهای رجالی است. (مترجم)

[13]. امضای مولی عبدالله شوشتری است. (مترجم)

[14]. در هر پنج نسخه که در اختیار داریم، کلمه «هلالی» تکرار شده است. (روضاتی)

[15]. ظاهراً مراد، مولی محمدتقی مجلسی است، چنانکه این مطالب را از او در بخش اول دیدیم. (مترجم)

[16]. متن کامل آن در بخش اول نقل شد. (مترجم)

[17]. مراد، کتاب المطرائف نوشته ابن طاووس است که عمداً به نام مستعار و بر اساس یک داستان نوشته است. (مترجم)

[18]. در زمان نگارش این رساله (سال 1410) دو کتاب ارزشمند و پر نکته² مرحوم روضاتی - تکملة المذریعة و تکملة طبقات اعلام المشیعة - منتشر نشده بود. اما در آخرین سالهای عمر مؤلف این دو کتاب توسط کتابخانه³ مجلس منتشر شدند که برای هر پژوهشی در زمینه⁴ تراجم و کتابشناسی باید بدانها رجوع شود. (مترجم)

[19]. خواننده گرامی تا همین جا، گوشه‌ای از تلاشهای محدثان بزرگ را در جهت احیا و تصحیح این کتاب می‌بیند. و البته نمونه‌های دیگر را در مقدمه مبسوط کتاب سلیم به تحقیق محمد باقر انصاری باید یافت. (چاپ قم: انتشارات دلیل ما). اینان بزرگانی بودند که یک لحظه از عمر خود را بیهوده هدر نمی‌دادند. اگر کتاب سلیم بی شبهه - به قول بعضی از فاضلان - ساختگی باشد، چگونه بر تمام اینان نسلا بعد نسل پوشیده ماند؟

این همه اهتمام از چنان مردان دقیق و ژرف نگر در تصحیح و ترویج کتاب سلیم، اگر نه دلیلی بر اعتبار این کتاب، دست کم شاهی بر این اعتبار هست. شگفتا! که کسانی که حکم کلی و مطلق صادر می‌کنند، از این احتیاط عقلی غفلت کرده‌اند. (مترجم)

[20]. تحقیق این کتاب که آیه الله سید محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی در مؤسسه الامام المهدی علیه السلام قم انجام داده و منتشر شده، مبتنی بر همین نسخه است. (مترجم)

[21]. متأسفانه مرحوم روضاتی موضع اشکال را در حدیث نوشته‌اند. ولی بر روی کلمه «منزلتی» نوشته‌اند: «... کذا فی المنسخة». به هر حال، با رجوع به چاپ تحقیقی جدید کتاب سلیم (قم: دلیل ما) این بخش از متن حدیث را بدینگونه می‌یابیم:

«لیس فی اجنة عدن من زل [أشرف و ل] أفضل و ل أقرب إلی عرش ربی من من زلی نحن ف 4
أربعه عشرين إننا أنأ و أخی علی و وخی رهم و أحبهم إلی و فاطمة و هی سیدة نساء أهل الجنة و
الْحَسَنِ وَ الْحَسَيْنِ وَ تِسْعَةَ أَيْمَةٍ مِنْ وَلَدِ الْحَسَنِ فَ نَحْنُ ف 4 أَرْبَعَةٌ عَشْرٌ إِنْسَانًا فِي مَنْزِلٍ وَاحِدٍ
أَذَبَ اللَّهُ عَنْ الْمَرْجَسِ وَ طَهَّرَ أَ تَطَهَّرَ رَأ» (کتاب سلیم ج 2 ص 840) - مترجم.

[22]. در اینجا نیز متأسفانه مصنف موضع اشکال را نوشته‌اند. ولی منابع دیگر همین حدیث را که از سلیم روایت کرده‌اند، در اینجا می‌نویسیم تا برای پژوهشگران مفید افتد:

کمال المدین 1: 285 باب 24 ح 3 علیه السلام، اعتقادات صدوق: 122 باب 45، تفسیر صافی 1: 19 مقدمه 2، اثبات المهداة 2: 209 ف 38 ح علیه السلام 03، همان 2: 22 صلی الله علیه و آله ف 51 ح علیه السلام 81، همان 2: 24 علیه السلام ف علیه السلام 1 ح 85 علیه السلام، بحار الانوار 3 صلی الله علیه و آله: 25 علیه السلام باب 41 ح علیه السلام 5، همان 89: 99 باب 8 ح صلی الله علیه و آله 9.

این فهرست به کمک نرم افزار نور 5/3 تهیه شد (مترجم).

